

Feasibility of Applying the Provisions of Multiplicity of Crimes to Children and Adolescents in Iran's Criminal Policy

Hamid Askaripour¹, Mohammad Ali Mahdavi Sabet^{2*}, Mohammad Ashouri³, Houshang Shambayati⁴

1. Doctoral student of criminal law and criminology, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Theology and Political Science, Science and Research Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Theology and Political Sciences, Science and Research Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

3. Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Theology and Political Sciences, Science and Research Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

4. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.



Article Type:

Original Research

Pages: 109-137

Received: 2022 November 18

Revised: 2023 May 04

Accepted: 2023 May 09



Abstract

Today, the increase in the occurrence of crimes committed by children and adolescents and the developments and ambiguities of criminal regulations have brought a challenge whether it is possible to talk about the general rules of intensifying security and educational measures or punishment for the crimes committed by these people. In judicial procedure, sometimes this challenge affects the fate of proceedings against these people. In this article, which uses analytical methods and library tools and a survey of some judicial decisions, it aims to interpret the regulations correctly, and the legal attitude of the judiciary towards the feasibility of applying the provisions of multiplicity of crimes to children and adolescents in Iran's criminal policy.

Keywords: Multiplicity of crimes, children and adolescents, criminal policy, intensification of punishment

*Corresponding Author: m_mahdavisabet@srbiau.ac.ir

امکان سنجی اعمال مقررات تعدد جرم نسبت به اطفال و نوجوانان در سیاست کیفری ایران^۱

حمید عسکری پور^۱، محمد علی مهدوی ثابت^{۲*}، محمد آشوری^۳، هوشنگ شامبیانی^۴

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، گروه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۳. استاد، گروه حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۴. استاد یار، گروه حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشکده حقوق، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.



نوع مقاله: علمی پژوهشی

صفحات: ۱۰۹-۱۳۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۲۷

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۲/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۱۹

چکیده

امروزه افزایش وقوع جرایم ارتكابی از سوی اطفال و نوجوانان و تحولات و ابهامات مقررات کیفری چالشی را به میان آورده است که آیا می توان نسبت به بزه های ارتكابی از سوی این اشخاص از قواعد عام تشدید اقدامات تأمینی و تربیتی و یا مجازات سخن گفت. در رویه ی قضایی نیز گاه این چالش در مصادیقی سرنوشت دادرسی نسبت به این اشخاص را تحت تأثیر قرار می دهد. در این مقاله که با روشی توصیفی تحلیلی و ابزار کتابخانه ای و بررسی پیمایشی برخی آرای قضایی، در صدد برمی آید تا در عین تفسیر صحیح مقررات، نگرش حقوقی قضایی نسبت به امکان سنجی اعمال مقررات تعدد جرم نسبت به اطفال و نوجوانان در سیاست کیفری ایران را تبیین نماید.



واژگان کلیدی: تعدد جرم، اطفال و نوجوانان، سیاست کیفری، تشدید مجازات



تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده است.

۱. استخراج مقاله از رساله دکتری و عنوان رساله: تعدد مادی جرم با تأکید بر تعدد نتایج رفتار مجرمانه واحد در حقوق موضوعه ایران و فرانسه

* نویسنده مسئول: m_mahdavisabet@srbiau.ac.ir

درآمد

امروزه در اکثر کشورها، موضوع اصول حاکم بر سیاست کیفری ناظر به اطفال و نوجوانان و همچنین تعیین الگوهای خاص کیفردهی برای شکل گیری دادرسی عادلانه (کم، ۱۳۹۷) در رابطه با شخصیت آسیب پذیر آنان^۱ جنبه های مختلف حقوق کیفری را تحت تأثیر قرار داده است. از جمله ی این جنبه های حقوق کیفری، می توان تعدد جرم ناظر به این اشخاص می باشد. اینکه هیچ صراحتی در خصوص مقررات تعدد جرم ناظر به اطفال و نوجوانان نشده و صرفاً تکرار جرم به لحاظ قانونی بیان شده در رویه قضایی به چالش هایی منتهی شده است. این چالش بویژه با نظر به دسته اشخاص زیر ۱۸ سال به طفل و نوجوان تشدید می یابد. لذا سوال اساسی آن است که با توجه به رویه قضایی و همچنین ملاحظات حاکم بر سیاست کیفردهی این اشخاص، تعدد جرم نسبت به آنان اعمال می گردد یا خیر و برای بیان نگرش جامع و در عین حال افتراقی، چه دسته بندی هایی را می توان از تعدد نسبت به این اشخاص بیان کرد؟ منطقاً باید فردی که چندین جرم را مرتکب شده است از بابت ارتکاب هر کدام از آنها، مجازات گردد و یا حداقل نسبت به شخصی که مرتکب یک جرم شده، مجازات بیشتری را متقبل گردد. نظام های جزایی (کیفری) کشورها، مواضع مختلفی در قسمت مجازات مرتکب چند جرم، اختیار می کنند. این منطق عام، در خصوص اطفال و نوجوانان با ابهاماتی روبه رو می شود، زیرا سیاست کیفردهی به اشخاصی که تماماً از موضوع جرم آگاه هستند با اطفال و نوجوانانی که اصل بر عدم اطلاع آنان است متفاوت می باشد. مضافاً اینکه سیاست ارفاق گراییی نسبت به این اشخاص غلبه دارد و همین امر می تواند اصل را بر عدم شمول

۱. از لحاظ ساختاری، نظام حاکم بر دادرسی اطفال و نوجوانان بر مبنای الگوهای مختلفی شکل می گیرد که از شناخته ترین الگوهای موجود در دنیا، می توان به الگوی رفاه، قانون گراییی و مشارکتی اشاره نمود. در قوانین کیفری نوین ایران، بخصوص در قانون آیین دادرسی کیفری و قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ توجه ویژه ای به دادرسی و مجازات حاکم بر اطفال و نوجوانان شده که بر اساس الگوهای حاکم بر دادرسی اطفال و اصول حاکم بر آن تقنین گردیده است.

مقررات تعدد جرم به جز در موارد استثنایی قرار دهد. همین مسائل باعث می شوند تا در ادامه به شکلی مختصر و در عین حال استدلال برمیینای مهمترین محورها، در سه قسمت، ابتدا پیشینه قضایی تعدد جرم نسبت به اطفال و نوجوانان، سپس امکان سنجی معیاردهی نسبت به آغاز اعمال مقررات تعدد جرم و در نهایت براساس سیاست مجازات دهی به واکاوی تعدد جرم نسبت به اطفال و نوجوانان پرداخته می گردد.

الف) پیشینه قضایی تعدد جرم نسبت به اطفال و نوجوانان

قانون مجازات عمومی سال ۱۳۰۴ نیز مانند قانون مجازات اسلامی صریحاً پیش بینی می کرد که احکام تکرار جرم درباره جرایم اطفال جاری نخواهد بود. (م ۳۸ ق.م.ع.) ولی این قانون مانند قانون مجازات اسلامی فعلی درباره ی تعدد جرم در جرایم اطفال ساکت بود، و این امر باعث شد نظرات موافق و مخالف در اجرای احکام تعدد جرم نسبت به جرایم ارتكابی از طرف اطفال ابراز شود. از یک طرف عده ای با توجه ظاهری به منطق قانون نویسی چنین استدلال می کردند که چون در قانون از جاری نبودن حکم تعدد جرم در مورد جرایم اطفال ذکری نشده است؛ باید قاعده کلی تشدید مجازات به علت تعدد جرم را در این مورد هم حاکم دانست. مطابق رأی ۵ د ۸۵۱ مورخ ۱۳۱۹/۰۳/۱۹ یکی از شعب دیوان عالی کشور: «عدم سرایت احکام تکرار جرم درباره اطفال به لحاظ نص خاصی است که در مورد تعدد چنین نصی نیست. بنابراین حکم تعدد جرم درباره اطفال نیز جاری است».

از طرف دیگر عده ای چنین عقیده داشتند؛ قصور قانونگذار از نظر عدم پیش بینی صریح جاری نبودن احکام تعدد جرم در جرایم اطفال نباید باعث شود هدف اصلی وضع مقررات خاص در زمینه بزهکاری اطفال لوث و ضایع گردد. چرا که می دانیم در مقررات مربوط به بزهکاری اطفال نظر اصلی ملایمت و ارفاق بیشتر بوده و به همین علت است که احکام تکرار جرم، که باعث تشدید مجازات می شود، در جرایم آنان جاری نشده

است. به این جهات لازم است احکام تعدد جرم را هم که مستلزم اجرای مجازات شدیدتر است درباره اطفال جاری ندانیم.

بعضی از آراء دیوان عالی کشور مؤید نظر دوم می باشد، از جمله در رأی ۲۰۰۱ مورخ ۱۳۲۸/۱۲/۲۵ چنین اظهار نظر شده است: «با توجه به اینکه در تاریخ تصویب قانون مجازات عمومی اثرات تعدد جرم که فعلاً مورد رعایت می باشد وجود نداشته و با التفات به ماده ۳۸ قانون مزبور که اجرای احکام تکرار جرم را در مورد اشخاصی که کمتر از ۱۸ سال تمام دارند ممنوع نموده و با در نظر داشتن این نکته که لزوم تنبیه و تنبه در تکرار جرم منظور اصلی قانونگذار بوده و با این کیفیت در مورد این قبیل اشخاص اجرای آن را ممنوع نموده است به طریق اولی در مورد تعدد جرم نظر مقنن بر تشدید مجازات این طبقه نمی باشد و رعایت احکام تعدد در این قبیل موارد مخالف روح و فلسفه مراتب مزبوری باشد». (صانعی، ۱۳۸۶، ۷۸)

به نظر می رسد با توجه به روح حاکم بر مقررات جرایم اطفال مبنی بر تعدیل واکنش اجتماعی علیه آنها و اجرای اقدامات تأمینی و تربیتی به جای مجازات، دیدگاه اخیر با مبانی و اصول و اهداف حقوق جزا سازگارتر است. بر فرض پذیرش دیدگاه دوم، رأی وحدت رویه ۳۵-۱۳۶۰/۰۹/۱۰ هیأت عمومی دیوان عالی کشور قابل ذکر است: «نظر به این که بند «۱» ماده (۳۲) قانون مجازات عمومی (م ۱۳۴ ق.م.ا.) صرفاً اعمال مقررات مربوط به تکرار و تعدد جرم را از لحاظ تشدید کیفر درباره اطفال بزهکار منع کرده و تسری به تعیین کیفر متعدد برای جرایم مختلف ندارد؛ لذا تعیین مجازات قانونی برای هر یک از جرایم متعدد اطفال بدون رعایت تشدید کیفر و به موقع اجرا گذاردن مجازات قطعی شده اشد موافق موازین قانونی تشخیص می گردد و رأی شعبه هشتم دیوان عالی کشور که بر این اساس صدور یافته صحیح است. این رأی به موجب ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ [م ۲۷۰ ق.آ.د.ع.ا.ک.] در موارد مشابه لازم الاتباع است».

آخرین رویکرد را می توان در نظریه ی مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه

مشاهده نمود. به موجب آن «سوال - نوجوانی زیر ۱۸ سال مرتکب جرم سرقت در شب از درجه ۵ و تغییر در شماره پلاک موتورسیکلت از درجه ۶ و رانندگی بدون گواهی نامه با موتورسیکلت از درجه ۷ گردیده است. با توجه به اینکه در مورد نوجوان طبق ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تعیین مجازات می گردد. آیا در مورد چنین شخصی رعایت ماده ۱۳۴ قانون مرقوم و تبصره ۴ آن ضروری است؟ به عبارتی دیگر، بایستی مجازات اشد (بین بندهای ت و ث) اعمال گردد و سپس با مجازات درجه ۸ به استناد تبصره ۴ ماده مرقوم جمع شود؟

مقررات تعدد، عام و کلی است و شامل جرایم ارتكابی نوجوانان بین ۱۵ تا ۱۸ سال نیز می شود و در فرض سؤال با رعایت ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، طبق بندهای پ و ت ماده ۸۹ این قانون، مجازات درجه ۵ و ۶ تعیین و اشد آنها با مجازات درجه ۷ که به شرح بند ث ماده مذکور تعیین می شود، جمع می گردد.

ب) امکان سنجی معیاردهی نسبت به آغاز اعمال مقررات تعدد جرم

بر اساس برخی معیارها می توان نسبت به امکان یا عدم امکان تسری مقررات تعدد جرم نسبت به اطفال و نوجوانان اظهار نظر حقوقی نمود. از یک سو می توان با ملاک قرار دادن سن مرتکبان و از سوی دیگر میزان رشادت آنها برخواست ارتكاب تعدد جرم اظهار نظر کرد.

۱- تبعیت قواعد تعدد مجازات از دامنه سنی: التزام به نظریه معروف که پایان نُه سال قمری برای دختران و پانزده سال قمری برای پسران را سن بلوغ و سن مسئولیت کیفری می داند، مشکلاتی برای جامعه ما پدید آورده است. جدا از این که این سن بویژه برای دختران پایین تلقی می شود، بلوغ و مسئول شناخته شدن در این نظریه کاملاً

۱. نظریه شماره ۲۴۶۵/۹۳/۷ - ۹/۱۰/۱۳۹۳ مستخرج از روزنامه رسمی کشور سال هفتاد و یک شماره ۲۰۴۶۴

چهارشنبه، ۲۰ خرداد ۱۳۹۴

دفعی است. در حالی که طفل تا یک مقطع زمانی، فاقد اهلیت حقوقی و جزایی است، در نقطه‌ای معین از زندگی ناگهان مشمول خطاب های شرع و قانون قلمداد می شود. بجز اهلیت تصرفات اقتصادی که بر «رشد» متوقف شده است، کودک پس از بلوغ دارای همه اهلیت های حقوقی، عبادی و همه مسئولیت های کیفری می شود. شدت مجازات ها بویژه کیفر اعدام برای برخی جرایم بر حساسیت موضوع می افزاید. به همین ترتیب، اقرار فرد بالغ حتی اگر در نخستین زمان پس از بلوغ باشد، معتبر و منشأ اثر شناخته می شود. حال آن که در امر جزایی اعتماد به اقرار دختر نُه ساله و حتی پسر پانزده ساله، دشوار است (نوبهار، ۱۳۹۱، ص ۷۹). همین تکثر نظریات و اختلاف عقاید حقوقی در رابطه با موضوع تعدد جرم از سوی بزهکاران طفل و نوجوان نیز قابلیت بحث و تسری می یابد. بدین شکل که تعدد جرم مختص نوجوانان است و یا اطفال و یا آنکه ممنوعیت اعمال مقررات تعدد شامل هر دو گروه می گردد. این سوال با چند رویکرد قابل پاسخگویی است، اما منطقی ترین تفسیر از قانون، آن هم به دلیل عدم صراحت رویکرد قانونگذار آن است که تعدد جرم در خصوص نوجوانان نیز قابلیت اعمال دارد و این بحث بویژه نسبت به اطفال با چالش بیشتری مواجه است که شاید بتوان عدم امکان تکرار جرم را قرینه ای بر امکان اعمال دانست ولی تفسیر خلاف آن نیز قابلیت طرح دارد. در رویه قضایی نیز این چالش گاه بسیار جدی می گردد و در مثال از پرونده ای که یک پسر شانزده ساله اقدام به هفت فقره سرقت تلفن همراه و یا پسر ۱۳ ساله ای که این جرم را مرتکب می شود با تفسیرهای متفاوتی می تواند مواجه شود. در نظریه اداره حقوقی به شماره ی ۲۵۲۷/۹۵/۷ آمده است «اولا نظر به اینکه مقررات تعدد جرم، ناظر به مجازات است و در خصوص اطفال، در صورت ارتکاب جرم طبق ماده ۱۴۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ اقدامات تأمینی و تربیتی اعمال می شود، نه مجازات؛ درحالیکه در خصوص نوجوانان، با عنایت به ماده ۸۹ قانون مذکور، مجازات تعزیری تعیین می گردد، لذا قواعد تعدد در خصوص اطفال، قابل اعمال نیست ولی در خصوص جرایم تعزیری ارتکابی توسط نوجوانان، قابل اعمال است.

ثانیا مقنن در ماده ۱۳۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، جرایم اطفال را از شمول مقررات تکرار جرم مستثنی نموده است، لذا مقررات تکرار جرم و از جمله تبصره ماده ۱۳۹ قانون مذکور (که در استعلام به آن اشاره شده)، در مورد اطفال قابل اعمال نیست؛ اما مجازات تعزیری نوجوانان که بر اساس ماده ۸۹ قانون مذکور تعیین میگردد، مشمول کلیه مقررات تکرار جرم، از جمله تبصره ماده ۱۳۹ است.»^۱

موجب دادنامه ۸۰۹-۱۳۹۴/۹/۷-۱۰۱ صادره از شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری دو شهرستان فریدن، متهم دیگر پرونده آقای یاسین الف، ۱۷ ساله از اتهام سرقت های متعدد و معاونت در دو فقره سرقت سیم با متهم ردیف اول (ش. ش) صادر گردیده، برای صادره مورد تجدیدنظر خواهی شرکت توزیع برق استان اصفهان در خصوص برائت متهمین و آقای ش. ش در خصوص صدور حکم بر محکومیت خود واقع شده است. دادگاه با توجه به محتویات پرونده، اقرار صریح متهمین در بدو تحقیقات مقدماتی نزد مأمورین آگاهی و قضات دادسرا و دادگاه های و صورتجلسه شناسایی محل های وقوع سرقت از سوی متهمین و ضمن رد مدافعات آنها در دادگاه فریدن و این دادگاه، با وارد دانستن تجدید نظر خواهی شرکت توزیع برق استان اصفهان و تشخیص عمل ارتكابی از سوی آقای یاسین الف به مشارکت در سرقت های سیم با آقای متهم ردیف اول (ش. ش) (مشارکت در ۷۱ فقره سرقت سیم از شهرستان ... مستنداً به بند پ ماده ۴۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری و مواد ۱۳۵، ۱۳۴، ۸۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و مواد ۶۵۹ و ۶۶۷

۱. در نشست قضایی صورت گرفته در مورخ ۱۳۹۶/۱۰/۱۹ در شهرستان استهبان استان فارس این سوال مطرح شده است که آیا مقررات مربوط به تعدد جرم موضع ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در مورد اطفال و نوجوانان اعمال می شود یا خیر؟ که نظر هیأت عالی بدین شرح ایفاد گردیده است: نظر به اینکه مقررات تعدد جرم، ناظر به مجازات است و در خصوص اطفال، در صورت ارتكاب جرم طبق ماده ۱۴۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ اقدامات تأمینی و تربیتی اعمال می شود، نه مجازات؛ در حالیکه در خصوص نوجوانان، با عنایت به ماده ۸۹ قانون مذکور، مجازات تعزیری تعیین می گردد، لذا قواعد تعدد در خصوص اطفال، قابل اعمال نیست ولی در خصوص جرایم تعزیری ارتكابی توسط نوجوانان، قابل اعمال است. قابل بازبینی در لینک ذیل:

قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) ضمن نقض دادنامه تجدید نظر خواسته (در خصوص رای برائت متهمین) آقای ش ش را به ۶۹ فقره هفت سال حبس تعزیری و آقای یاسین الف را با احتساب ایام بازداشت قبلی به ۷۱ فقره دوسال نگهداری در کانون اصلاح و تربیت ... محکوم می نماید....»

۲- تبعیت قواعد تعدد جرم از رشادت و لزوم اثبات آن: رشد جزایی به معنی رسیدن به سنی است که شخص قوه تمیز و تشخیص کامل حسن و قبح اعمال و درک او امر و نواهی شرعی و قانونی را داشته باشد در قوانین کیفری کشور ما تا قبل از تصویب ماده ۹۱ ق.م.۱۳۹۲ مورد توجه قرار نگرفته بود و در کتب فقهی و حقوقی نوعا رشد مدنی به معنی قوه تشخیص نفع و ضرر و عقل معاش مورد بحث و توجه حقوق دانان و فقها واقع شده است^۱ (رهامی، ۱۳۸۱، ص ۱). مبنا و مأخذ «رشد جزایی» تشخیص حسن و قبح اعمال است منظور، آن «کیفیت نفسانی» و «ملکه» ای است که واجد آن توانایی تشخیص حسن و قبح افعال را دارد و به عبارت دیگر دارای قوه تمیز خوبی و بدی است و چون انسان اول بدی و خوبی را تمیز می دهد و بعد نفع و ضرر را، بنابراین حجر مدنی ملازمه ای با حجر جزایی ندارد ولی حجر جزایی مستلزم حجر مدنی است زیرا هر کس بدی و خوبی را تمیز ندهد نفع و ضرر را هم تمیز نمی دهد، چه بدی به معنی عام شامل ضرر هم می شود و خوب به معنی عام شامل نفع هم هست (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۸، ص ۲۳۵). فقهایمانند صاحب جواهر و امام خمینی نیز به شرط «کمال العقل» که لازمه ی درک و تشخیص حسن و قبح اعمال می باشد و یا به عبارت دیگر به شرط وجود قوه تمیز سود و زیان و یا توانایی اداره امور مالی نبوده، بلکه منظور همان قوه تشخیص اعمال و یا به عبارت دیگر داشتن «عقل کامل» بوده است. بنابراین اعمال مجازات شخصی که واجد این شرایط نباشد. غیر عادلانه و خلاف منطقی و سیره عقلا می باشد، زیرا چنین

۱. در مباحث مربوط به مسئولیت کیفری در قوانین جزایی پس از پیروزی انقلاب اسلامی ملاک مسئولیت جزایی سن بلوغ و عدم جنون تعیین گردیده و در مورد سن بلوغ هم بر اساس قوانین جاری کشور و به تبع فتوای فقهای شیعه ۹ سال تمام قمری در دختران و ۱۵ سال قمری در پسران معیار سنی جهت بلوغ و مسئولیت کیفری مشخص شده است.

کسی اصولاً واجد «اهلیت جزایی» نمی باشد (رهامی، ۱۳۸۱ ص ۱۷).

بنا به اعتقاد برخی فقها برای خروج صغیر از حجر، رسیدن به سن بلوغ کافی نیست، بلکه رشد نیز شرط است. صغیر تا زمانی که دو صفت بلوغ و رشد برای او حاصل نشده محجور است. منظور از رشد این است که شخص توانایی اداره اموالش را به نحو عقلایی داشته باشد و از مال خود بهره برداری درست داشته باشد. به موجب قانون مدنی هیچ کس را نمی توان بعد از رسیدن به سن بلوغ به عنوان جنون یا عدم رشد محجور نمود، مگر آنکه عدم رشد یا جنون او ثابت شده باشد. سن بلوغ در پسر ۱۵ سال تمام قمری و در دختر ۹ سال تمام قمری است. و در ادامه گفته است: اموال صغیری را که بالغ شده است، در صورتی میتوان به او داد که رشد او ثابت شده باشد. در نتیجه با توجه به متن قانون اینطور برداشت میشود که صغیر به محض رسیدن به سن بلوغ در امور غیرمالی مانند طلاق، شهادت دادن در امور غیرمالی و... از حجر خارج میشود و میتواند مستقلاً عمل نماید؛ اما در امور مالی رفع حجر از صغیر نیاز به احراز رشد دارد.^۱

بانگاهی به منابع اسلامی و فقهی می توان دریافت که مفهوم رشد در قرآن، روایات و لسان فقها، در معنایی اعم از امور مالی و کیفری به کار رفته است. یعنی در مسائل کیفری نیز سفاقت مصداق دارد و در برخی روایات، سفاقت در امور کیفری موجب انتفای مسئولیت کیفری یا تخفیف مجازات عنوان گردیده است. مضافاً اینکه در حقوق اسلام، سن خاصی برای رشد معین نشده است. علت این امر این است که سن رشد در افراد

۱. در عمل دادگاهها، دفاتر اسناد رسمی، بانکها و دیگر موسسات دولتی یا خصوصی، بنابر عادت و سنت قدیم (قانون قبلی که اکنون نسخ شده است) سن ۱۸ سال را نشانه رشد به شمار می آورند. در مورد افراد غیربالغ نیازی به صدور حکم حجر از طرف دادگاه نیست و افراد زیر ۱۸ سال چنانچه حکم رشد در اختیار داشته باشند رشید محسوب میشوند. در غیر اینصورت در مواردی که بخواهند در امور مالی خویش تصرف نمایند در صورت دارا بودن ولی خاص، امور آنها به ولی مربوط است و در صورت فقدان ولی خاص از آنها پرسیده میشود ادعای رشد دارند یا خیر، در صورت عدم ادعای رشد با آنها مانند صغار رفتار میشود و اگر مدعی رشد باشند جهت بررسی موضوع به دادگاه معرفی میشوند. این اقدامات وظیفه اداره سرپرستی دادگستری خواهد بود. حال اگر چنین شخصی گواهی رشد دریافت نمود رشید است و اگر موفق به دریافت گواهی رشد از دادگاه نشد با او مانند صغار رفتار خواهد شد.

مختلف، با توجه به وضعیت جسمی و روحی آنان، اوضاع و احوال اجتماعی و اقتصادی و حتی تعلیم و تربیت شخص، متفاوت است. البته رشد، قبل از بلوغ به هیچ عنوان پذیرفته شده نیست و برای حصول رشد، بلوغ شرط است. بنابراین تعیین سن رشد به ولی یا قاضی واگذار شده است تا با توجه به مقتضیات زمان و اوضاع فردی و اجتماعی، به احراز رشد اقدام کند (صفائی، ۱۳۸۲، ص ۲۴۴). تشخیص سفیه بودن شخص، از راه مقایسه اعمال او با اعمال عقلانی دیگران به عمل می‌آید؛ بدین‌گونه که اعمال آن شخص از نظر عرف عقلا مورد سنجش قرار می‌گیرد؛ چنان چه عرف، اعمال و افعال او را همانند اعمال عقلای متعارف، و نه در سطح متوسط و عالی، تشخیص دهد، آن شخص رشید، وگرنه سفیه است (طاهری، ۱۳۷۶، ص ۱۳۲). از آنجا که مردم باید در روابط مالی خود به وسیله ساده‌ای، رشد طرف قرارداد را تشخیص دهند، قانونگذاران رسیدن به سن خاصی را نشانه ایجاد رشد قرار می‌دهند. اما نظر به این که برخی افراد تا پایان عمر نیز از این صفت بی‌بهره می‌مانند و از طرفی گاه اتفاق می‌افتد که قبل از این سن هم کودکی رشید شده باشد، خلاف اماره رشد را بعد از بلوغ می‌توان اثبات نمود (کاتوزیان، ۱۳۷۱، ص ۱۱۵).

با تصویب ماده ۹۱ ق.م.ا.مقنن به لزوم وجود پل ارتباطی بین ارتکاب جرم و شمول مجازات‌های مستوجب حد و قصاص آن هم تحت عنوان رشد جزایی صحه گذاشته است؛ چراکه به موجب این ماده «در جرائم موجب حد یا قصاص هرگاه افراد بالغ کمتر از هجده سال، ماهیت جرم انجام شده و یا حرمت آن را درک نکنند و یا در رشد و کمال عقل آنان شبهه وجود داشته باشد، حسب مورد با توجه به سن آنها به مجازات‌های پیش بینی شده در این فصل محکوم می‌شوند». بنابراین اولاً اهمیت رشد در سن بعد از بلوغ مطرح می‌شود و ثانیاً معنای رشد به لزوم درک ماهیت جرم انجام شده و یا حرمت آن و داشتن رشد و کمال عقل در آنان بیان شده است که فصل الختام مباحث و اختلافات است. بنابراین به طور کلی و در مقام ذکر نکته ی مهم بایستی اشاره شود که بحث رشد جزایی بعد از سن بلوغ ظهور پیدا می‌کند، زیرا قانونگذار به موجب ماده ۱۴۶

افراد نابالغ مسؤولیت کیفری ندارند و صرف بلوغ باعث شمول مسؤولیت کیفری است و عدم این مسؤولیت منوط به احراز عدم رشد جزایی است. بنابراین رشد جزایی و بررسی آن در سن نوجوانی است و نوجوان همان شخصی است که بالغ شده است. به هر تقدیر صغریایل کننده ی مسؤولیت است و با ورود به سن بلوغ وقتی مسؤولیت زایل می شود که عدم رشد وی احراز شود.

ج) واکاوی تعدد جرم نسبت به اطفال و نوجوانان بر اساس سیاست مجازات

دهی به آنان

این سوال قابل طرح است که آیا اعمال تعدد با تأدیب بزهکاران طفل و نوجوان مغایرت دارد یا خیر؟ این تأدیب بر مبنای سیاست تشدید و یا تخفیف مجازات بزهکاران بنا نهاده شده است؟ به همین دلیل می توان سیاست ارفاق و تخفیف از یک سو و سیاست تشدید مجازات از سوی دیگر را بر پذیرش یا رد تعدد مجازات بزهکاران طفل و نوجوان موثر دانست.

۱- تعدد جرم در کنار امکان تخفیف مجازات بزهکاران طفل و نوجوان: در قانون مجازات اسلامی، در ماده ۹۳ به تخفیف قضایی در ارتباط با اطفال و نوجوانان پرداخته است مطابق با این ماده «دادگاه می تواند در صورت احراز جهات تخفیف، مجازات ها را تا نصف حداقل تقلیل دهد و اقدامات تامینی و تربیتی اطفال و نوجوانان را به اقدام دیگری تبدیل نماید.» نکته ای که در ابتدا می توان بدان اشاره نمود این است که مُراد از مجازات مقرر در این ماده آیا مطلق مجازاتهاست و یا آنکه فقط ناظر به جرائم تعزیری است. برخی ممکن است به اشتباه اینگونه نظر دهند که لفظ مجازات مطلق است و حدود و قصاص نیز قابل تخفیف می باشند، اما با اندکی دقت می توان فقدان وجهت این نظر را درک نمود. چراکه از یک طرف حدود و قصاص به شرط وجود شرایط مسؤولیت کیفری نسبت به نوجوانان و بزرگسالان از اصل ممنوعیت دخل و تصرف قضایی تبعیت می نماید و ثانیاً

اینکه مقنن به موجب ماده ۹۱ حکم خاص نوجوانان این مورد را پیش بینی نموده است و تنها در صورت شبهه به موارد مقرر است که می توان از حکم به حد و قصاص اجتناب نمود و نسبت به تعیین مجازاتها یا تصمیم (مسامحتا) مقرر در مواد ۸۸ و ۸۹ ق.م.ا اقدام نمود. مضافا اینکه، تصریح به لزوم وجود جهات تخفیف خود ناظر به شرایط تخفیف نیز می باشد که از جمله ی آنها تعزیری بودن است و در ماده ۳۷ مورد اشاره قرار گرفته است؛ پس جایگاه اعمال در حد و قصاص ندارد. بنابراین باید این قسمت از ماده ۹۳ در رابطه با مجازات را با توجه به ماده ۸۹ تفسیر نمود که جرمی تعزیری از سوی یک نوجوان ارتکاب یافته است و مجازات های مقرر در آن ماده نسبت به وی تعیین شده است، حال سوال این است که می توان این مجازات را تخفیف داد، که مثبت بودن پاسخ کاملا مشخص است. بنابراین چنانچه دادگاه بخواهد اقدام به تخفیف مجازات جرم تعزیری یک نوجوانی بنماید، تا نصف حداقلی که برای آن مجازات تعیین شده است می تواند تعیین کند^۱ (شمس ناتری و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۲۱۱)

این رأی که از سوی دادگاه تجدیدنظر فارس ناظر به امکان اعمال تخفیف مجازات نسبت به شخص ۱۷ ساله بوده است عینا نقل می گردد: «در مورد درخواست تجدیدنظر آقای ... به وکالت از آقای ... فرزند ... نسبت به آن بخش از رأی شماره ۱۵۸۴۰۱۱۲۴۰۹۹۷۷۱۱۲۴۰۹۳۰ شعبه ۱۱۴ دادگاه عمومی جزایی شهرستان شیراز که به موجب آن موکل نامبرده به جرم مشارکت در سرقت از مغازه آقای به یک سال نگهداری در کانون اصلاح و تربیت و به جرم سرقت از مغازه مخدوم خود آقای ... به پرداخت ده میلیون ریال جزای نقدی محکوم شده با عنایت به عدم اعتراض شکات و دادستان به این امر و با توجه به نوجوانی محکوم و گذشت شکات به استناد مواد ۴۵۷ و ۴۵۸ و ۴۵۹ و تبصره ۱ ماده ۵۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری و تبصره ۳ ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی

۱. البته تعیین میزان تخفیف تا نصف حداقل، متضمن این اشکال است که تکلیف میزان تخفیف در مواردی همچون بند ت ماده ۸۹ ق.م.ا که فاقد حداقل است نامشخص می باشد.

ضمن تایید اساس حکم و تبدیل نگهداری درکانون اصلاح و تربیت به مجازات قانونی دیگر مجازات محکوم علیه تجدیدنظر خواه را در مورد جرم مشارکت در سرقت از مغازه امین دهقانی به پرداخت مبلغ بیست و پنج میلیون ریال جزای نقدی با احتساب ایام بازداشت قبلی تخفیف می دهد...»

با توجه به آرای محاکم و رویکرد سیاست جنایی قضایی، این نکته و نظر تأیید می گردد که مُراد از تخفیف مجازات صرفاً جرائم تعزیری است. به عنوان مثال در رأی فوق نیز مشخص است که دادگاه در رابطه با جرم سرقت تعزیری، حکم به تخفیف داده و دادگاه تجدیدنظر آن را تأیید نموده است و نه ناظر به جرم دیگری که مستوجب مجازات دیگری باشد.

عبارت جهات تخفیف در صدر ماده اگرچه ابهام دارد ولی این طور به نظر می رسد که منظور مقنن همان جهاتی است که در ماده ۳۸ ق.م.ا ذکر شده است. دربند الف این ماده نقش میانجی گری و اجرای یک فرآیند ترمیم در جهت کسب رضایت بزه دیده و گذشت او موثر بوده و می توان خسارت های ناشی از جرم را در راستای این فرآیند ترمیم کرد. همچنین بند ج آن نیز بزهکار را ترغیب می کند تا زمانی که پرونده به مرحله ی صدور حکم نرسیده خسارات ناشی از جرم را ترمیم یا در مقام جبران آن برآید. که در اینجا نیز وجود یک میانجی گرمی تواند این فرآیند را سرعت ببخشد و حتی زیان های عاطفی را نیز جبران نماید. بند ب، قسمت انتهایی بند پ، و بند ث نیز جنبه بازپروری و اصلاحی دارند چرا که مجرم با پذیرش اشتباه خود و سعی در جبران آن به نوعی آمادگی خود را برای بازاجتماعی شدن و اصلاح مجدد اعلام کرده است.

نکته ی دیگری که در سیاست جنایی قضایی تا اندازه ای ایجاد ابهام نموده است این است که، اگر دادگاه به موجب تخفیف مقرر در ماده ی ۳۷ مدت نگهداری در کانون را تخفیف داد، آیا منعی برای اعمال ماده ی ۹۰ ق.م.ا وجود دارد یا خیر؟ به عنوان مثال در یک رأی دادگاه ویژه ی اطفال و نوجوانان، نگهداری درکانون را به کمتر از حداقل

مقرر در بند الف ماده ۸۹ و یک سال تعیین می‌کند. حال سوال این است که همین دادگاه می‌تواند حکم نگهداری یک ساله را بعد از گذشت یک پنجم مجدداً تخفیف داد یا خیر؟ که پاسخ اینگونه به نظر می‌رسد؛ که منعی برای استفاده از تسهیلات قضایی وجود ندارد و برای آن مدت باقیمانده نیز می‌توان از نهادهایی مانند تعلیق اجزای مجازات و یا به عنوان مثال آزادی مشروط استفاده نمود و یا حتی آن را مجدداً تخفیف دهد. چراکه علت تخفیف اولیه وجود جهات تخفیف است و علت تخفیف دوم گزارش‌های مددکاری مبتنی بر اصلاح فرد در کانون و این دو از یکدیگر مجزا هستند. سوال دیگر که در سیاست جنایی قضایی قابل طرح است اینکه آیا می‌توان بعد از تخفیف مقرر در ماده ۹۰ و کاهش تا مدت یک سوم، مدت باقیمانده را مجدداً تخفیف داد؟ که پاسخ این حالت مشخص است و قسمت اخیر ماده ۹۰ ق.م.ا بر آن تأکید نموده است.^۱

برخی از حقوقدانان نیز در رابطه با امکان تبدیل اقدامات تامینی و تربیتی به اقدام تامینی و تربیتی دیگر اظهار داشته اند که «اقدام قانون گذار در خصوص تبدیل اقدامات تامینی و تربیتی به اقدام دیگر مبهم است چرا که اقدامات تامینی و تربیتی اساساً ماهیتی متفاوت با مجازات دارند و بدل و جایگزین مجازات به خصوص در مورد اطفال با رویکرد پرهیز از آثار و عواقب مخرب کیفر دارند. اگر مقصود این است که اقدام تامینی و تربیتی به مجازات تبدیل شود؛ هم شدیدتر است و هم نقض غرض می‌شود و اگر مقصود اقدام سومی است که نه مجازات است و نه اقدام تامینی چنین تاسیسی قابل فهم نیست.» (الهام و برهانی، ۱۳۹۲، ص ۱۷۸) این ایراد صحیح به نظر نمی‌رسد چراکه کلیه اقدامات تامینی که در ارتباط با اطفال در قانون مجازات اسلامی در نظر گرفته شده است صبغه تربیتی و حمایتی دارد و اقداماتی که واجد جنبه بازدارنده و توان‌گیرانه باشند در مورد اطفال و نوجوانان بزهکار وجود ندارد. لذا در صورتی که قاضی تشخیص دهد می‌تواند این اقدامات را که جنبه حمایتی دارند در راستای تفرید جزایی به اقدام دیگری که

۱. این امر مانع استفاده از آزادی مشروط و سایر تخفیفات قانونی با تحقق شرایط آنها نیست.

آن هم جنبه حمایتی دارد تبدیل نماید. بنابراین تبدیل اقدامات به اقداماتی مناسب تر معنا می دهد و نه لزوماً تبدیل به نهاد دیگری که مورد تصریح مقنن قرار نگرفته است. در ماده ۹۰ از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ پیش بینی شده است که « دادگاه می تواند با توجه به گزارش های رسیده از وضع طفل یا نوجوان و رفتار او در کانون اصلاح و تربیت یک بار در رأی خود تجدیدنظر کند و مدت نگهداری را تا یک سوم تقلیل دهد یا نگهداری را به تسلیم طفل یا نوجوان به ولی یا سرپرست قانونی او تبدیل نماید. تصمیم دادگاه مبنی بر تجدیدنظر در صورتی اتخاذ می شود که طفل یا نوجوان حداقل یک پنجم از مدت نگهداری در کانون اصلاح و تربیت را گذرانده باشد...»^۱. از جمله نقاط قوت این ماده ۹۰ نسبت به قانون سابق را می توان در توسعه ی دامنه افراد مشمول این شیوه دانست، چراکه نوجوانان نیز علاوه بر اطفال می توانند از این شیوه بهره ببرند. همچنین در این ماده پیش بینی شده است که زمانی دادگاه می تواند این تصمیم را اتخاذ کند که حداقل یک پنجم از مدت نگهداری در کانون اصلاح و تربیت گذشته باشد، که این امر را نیز می توان در راستای ضابطه مندی از پیشرفت های قانون حاضر تلقی نمود^۲. توضیح آنکه به موجب قانون سابق، قاضی هر زمان که صلاح می دانست حتی یک روز بعد از آغاز اجرای حکم می توانست این تصمیم را اتخاذ کند، در حالی که برای اتخاذ این شیوه باید مدتی سپری گردد و گزارش های مددکاران اجتماعی کانون اصلاح و تربیت به دست قاضی برسد تا وی بتواند به وجود حالت خطرناک و یا عدم وجود آن در طفل و یا نوجوان پی ببرد و بتواند تصمیم صحیحی بگیرد. در واقع در طی این مدت مددکاران می توانند

۱. سابقه تقنینی این ماده را می توان در ماده ۲۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ جستجو کرد. به موجب این ماده «دادگاه رسیدگی کننده به جرائم اطفال حسب گزارش هایی که از وضع اطفال و تعلیم و تربیت آنان از کانون اصلاح و تربیت دریافت می کند می تواند در تصمیمات قبلی خود یک بار تجدیدنظر نماید، به این طریق که مدت نگهداری را تا یک چهارم تخفیف دهد.»

۲. البته این تعیین مدت را نیز می توان نوعی سیاست سخت گیرانه نیز تلقی نمود که به موجب آن بایستی حتماً یک پنجم شخص در کانون نگهداری شود. این نظر را می توان با امکان اعمال تسهیلات قضایی دیگر و نیز سیاست های حمایتی و تربیتی قابل اعمال در کانون مرتفع دانست.

میزان هماهنگی اطفال و نوجوانان بزهکار با برنامه های قانون اصلاح و تربیت را بسنجند و میزان استعداد بازیگیری اجتماعی آنان را مشخص نمایند.

از دیگر نقاط قوت ماده ۹۰ ق.م.ا آن است که علاوه بر امکان تخفیف مجازات، امکان تبدیل این مجازات به نگهداری طفل و نوجوان توسط ولی یا سرپرست وی را نیز داده است. که این امر نیز می تواند در پرتو قابلیت انطباق اجتماعی که از مولفه های حالت خطرناک است توجیه گردد.^۱ البته تبدیل مجازات سالب آزادی به نگهداری اطفال و نوجوانان توسط والدین یا سرپرستان قانونی در صورتی میسر است که خود خانواده عامل بروز ناهنجاری و جرم توسط اطفال و نوجوانان نبوده باشند.

در انتها باید اشاره نمود که این تصمیم تنها می تواند متضمن تخفیف مجازات باشد و به این اعتبار نمی توان مدت نگهداری اطفال و نوجوانان در کانون اصلاح و تربیت را افزایش داد. که این امر نیز در پرتو اصل حداقلی بودن نگهداری و سلب آزادی اطفال و نوجوانان منطقی به نظر می رسد.

۲- تعدد جرم اطفال و نوجوانان در کنار عدم امکان تشدید مجازات در قالب تکرار جرم: تکرار جرم یکی از جلوه های حالت خطرناک است که در پاسخ به این پدیده دو شیوه قابل اعمال است. شیوه اول، توسل به شدت کیفرهاست حتی تا جایی که منجر به طرد بزهکار بشود. شیوه دوم که به دنبال ناکارآمدی شیوه اول به وجود آمد، آن است که به جای تشدید مجازات به دنبال اصلاح شخصیت مجرم و علل ارتکاب جرم توسط وی در چهارچوب آموزه های جرم شناسی بالینی با هدف بازگرداندن مجرم به جامعه و باز اجتماعی کردن او باشیم.^۲ در رابطه با تکرار جرم بدیهی است که به تصریح ماده ۱۳۸ نمی

۱. چراکه شایسته است برای بزهکاران شرایط انطباق با محیط فراهم گردد، یعنی شرایط و اوضاع و احوالی فراهم نمود که بتواند رفع خطرناکی از وی نماید. بدین ترتیب، حالت خطرناک، از لحاظ جرم شناسی متضمن ارزشیابی ظرفیت جنایی نیست بلکه ارزشیابی امکان انطباق با زندگی اجتماعی را نیز به دنبال دارد. (بابایی، ۱۳۹۰، ص ۳۳)

۲. لذا منظور از پیشگیری کیفری از تکرار جرم آن است که قانون گذاران با اعمال مجازات نسبت به بزهکاران به طور عام تشدید آن نسبت به بزهکاران مکرر به طور خاص تعقیب می نمایند و امیدوارند با تحمیل مجازات از ارتکاب جرایم بعدی این بزهکاران جلوگیری نمایند. اما در پیشگیری از تکرار جرم در چهارچوب آموزه های جرم شناسی بالینی

توان تنها نسبت به اشخاصی که وصف طفل دارند از تکرار جرم و تشدید مجازات مندرج در آن بهره برد، و شخص نوجوان مورد اشاره قرار نگرفته است. به نظر می رسد که شخص نوجوان نیز می توانست از شمول قواعد تکرار جرم مستثنی بشود و از همین رو به گواهی اسناد بین المللی و رهیافت های جرم شناختی دامنه و گستره ی این حمایت باید نه تنها نسبت به اطفال و بلکه نوجوانان قابل تسری باشد و یا در صورت مخالفت با شمول نسبت به نوجوانان، قانونگذار به نحوی اقدام نماید که دامنه ی محدود تری را از حیث نوع جرایم برای اعمال تشدید نسبت به نوجوانان به رسمیت بشناسد. به علاوه اینکه می توان حتی اعمال تشدید در تکرار نسبت به نوجوانان را به شرایط ارتکاب جرم آنان منوط و مشروط نمود، لذا در شرایطی که خانواده طفل و یا نوجوان مسبب و بسترساز بروز جرم و تکرار آن بوده اند؛ تشدید مجازات در تکرار جرم بدون توجه به عوامل آن و ریشه یابی این عوامل نه تنها باعث کنترل جرم و جلوگیری از تکرار جرم نمی شود؛ بلکه احتمال اینکه طفل و نوجوانان بیشتر به سوی حرفه مجرمانه سوق پیدا کند وجود دارد.^۱ بر همین مبنا می توان دریافت که آنچه در زمینه تکرار جرم در اطفال و نوجوانان حائز اهمیت است آن است که تکرار جرم توسط این افراد بیش از آنکه ناشی از سود جویی و انحراف آنان باشد، ناشی از شکست در برنامه های بازپروری ای است که برای اطفال در نظر گرفته شده است. یعنی پیشگیری و مداخله زودرس در مورد اطفال و نوجوانان نتوانسته است که

نخست بزهکاری که مرتکب تکرار جرم شده است پذیرش می شود، سپس علت ارتکاب جرم بررسی و تشخیص داده می شود، آن گاه بر اساس علت ارتکاب جرم و معیارهای دیگر طبقه بندی صورت می گیرد و در این راستا از روش ها و تدابیر درمانی با هدف کاهش و بی اثر کردن زمینه هایی که علت ارتکاب جرم تلقی شده اند، استفاده می شود و نهایتاً بزهکار پس از آزادی تحت مراقبت های خاص قرار می گیرد. (بابایی، ۱۳۸۳، ص ۳۶)

۱. آموزه های جرم شناسی نظریه شرمساری بازگرداننده نیز می تواند دلیلی بر عدم تشدید مجازات اطفال و نوجوانان بزهکار در صورت تکرار جرم باشد. چرا که تشدید مجازات نه تنها به پیش گیری از تکرار جرم نمی انجامد، بلکه رقم بالاتری از جرائم را دامن خواهد زد. برعکس اگر بزهکار با درک نادرست بودن رفتار خود شرمسار شود- در حالی که همچنان اجازه دارد به گروه همنوا در جامعه بازگردد- پیشگیری از تکرار جرم جامه ی عمل خواهد پوشید. لذا پاسخ ها در صورتی به سرانجام خواهند رسید که با شرمسار کردن مرتکب بتوانند او را دوباره به جامعه بازگردانند. (رایجیان اصلی، ۱۳۸۳، ص ۱۴۳)

مانع از تکرار جرم توسط آنان گردد. لذا بیش از آنکه طفل و نوجوان قابل سرزنش و ملامت باشد، این نهاد‌های رسمی مداخله‌کننده هستند که باید پاسخگوی ناکارآمدی خود در پیشگیری از تکرار جرم باشند و لذا تشدید مجازات اطفال در این حالت نه تنها تاثیری ندارد بلکه حتی ممکن است باعث برچسب خوردن اطفال و طرد آنان از محیط اجتماع و خانواده شود. مطابق یافته‌های برخی جرم‌شناسان نیز بزهکاری که ارتکاب جرم خود را از زمان کودکی و نوجوانی آغاز نموده و نسبت به عکس‌العمل اجتماعی در قالب برچسب مجرمانه‌ای که به او زده شده نیز حساس بوده است، بیشتر از دیگران، حرفه مجرمانه خود را ادامه خواهد داد (غلامی، ۱۳۸۲، ص ۲۹۵).

بر مبنای ملاحظات فوق‌الذکر، در سیاست جنایی قضایی هرچند منعی برای اعمال مقررات تکرار جرم نسبت به نوجوانان وجود ندارد، ولی رویکرد عمده‌ی قضات به نحوی جهت یافته است که نسبت به نوجوانان از قواعد تکرار جرم بهره نمی‌گیرند. یک دلیل و تحلیلی که می‌توان ارائه نمود این است که، مقنن برای نوجوان محدودیت در پاسخ را به موجب ماده ۸۹ ق.م.ا.پیش بینی نموده است و همچنین با توجه به ماده ۹۵ ق.م.ا.کلیه‌ی محکومیت‌هایی که اجرا می‌شوند آثار محکومیت تبعی ندارند تا مشمول تکرار جرم شوند. نکته‌ی دیگری که می‌توان اشاره نمود این است که حداکثر مطابق سازی^۲ مجازات‌های ماده ۸۹ و ماده ۱۹ ق.م.ا. به درجه‌ی ۶ ختم می‌شوند که این محکومیت دارای آثار تبعی نیز نمی‌باشد.

۱. در یک مقاله با ارائه‌ی آرای فقهای امامیه در زمینه حکم سرقت کودک، فرضیه تأدیب قضایی کودک در صورت تکرار جرم از ناحیه او با کشف ملاک، و تعمیم آن در تمامی جرایم کودکان به اثبات می‌رسد و اصلاح ماده ۳۸ لایحه رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان به این شرح پیشنهاد می‌گردد که: «تکرار جرم در مورد اطفال و نوجوانان موجب تأدیب و تدابیر بازدارنده متناسب خواهد شد که دادگاه با عنایت به تربیت کودک و اصلاح رفتار او و مصلحت جامعه به آن مبادرت می‌نماید».

۲. ممکن است برخی معتقد باشند که دو تا پنج سال نگهداری در کانون همان دو تا پنج سال حبس است و نوعی درجه‌ی پنج و مشمول قواعد تکرار می‌باشد، در حالی که این نظر کاملاً غلط و این منطبق سازی از اساس محکوم به بطلان است.

همچنین ممکن است این سوال مطرح شود که آیا نسبت به اشخاص طفل و نوجوان می توان قواعد تعدد جرم را اعمال نمود یا خیر؟ با توجه به قانون، هیچ منعی برای اعمال تعدد جرم نسبت به اطفال و نوجوانان پیش بینی نشده است. در سیاست جنایی قضایی نیز قضاوت منعی برای اعمال مقررات تعدد جرم نسبت به اطفال و نوجوانان موجود نمی بینند و بسیاری نیز در رابطه با نوجوانان قواعد تعدد را به مانند رأی ذیل اعمال کرده اند: این رأی که از سوی دادگاه تجدیدنظر فارس ناظر به لزوم اعمال تعدد جرم نسبت به شخص ۱۷ ساله بوده است عینا نقل می گردد: «در مورد درخواست تجدیدنظر آقای ... به وکالت از آقای ... فرزند معراج الدین نسبت به آن بخش از رأی شماره ۹۳۰۹۹۷۷۱۱۲۴۰۱۵۸۴ شعبه ۱۱۴ دادگاه عمومی جزایی شهرستان شیراز که به موجب آن موکل نامبرده به جرم مشارکت در سرقت از مغازه آقای به یک سال نگهداری در کانون اصلاح و تربیت و به جرم سرقت از مغازه مخدوم خود آقای ... به پرداخت ده میلیون ریال جزای نقدی محکوم شده نظر به اینکه رأی مورد تجدیدنظر خواهی در بخش مورد اعتراض از حیث احراز ارتکاب جرم مطابق ادله موجود در پرونده و طبق قانون صادر شده لیکن در مورد تعیین میزان مجازات جرم دوم (جزای نقدی) اشتباه صورت گرفته چرا که طبق ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی که در حکم تجدیدنظر خواسته به آن استناد نشده در تعدد جرایم دادگاه باید برای هر یک از جرایم حداکثر مجازات مقرر را حکم کند.

در توضیح و تحلیل رأی فوق و سیاست جنایی قضایی باید اعلام نمود که، با توجه به ماهیت مقرر برای مجازات های ماده ۸۹ که خاص نوجوانان است و همچنین با توجه به اینکه مراد از تعدد، صرفا تعیین مجازات اولیه است، منعی برای اعمال تعدد موجود به نظر نمی رسد. مضافا اینکه اگر با فرض اعمال تعدد جرم، مجازات تعزیری قابل اعمال بر نوجوان در شدیدترین حالت خود به تعزیر درجه ی یک هم برسد، بدیهی است که قاضی فقط این اختیار را دارا خواهد بود که حکم به نگهداری در کانون

اصلاح و تربیت را به موجب بند الف ماده ۸۹ از دو تا پنج سال تعیین نماید. بنابراین تعدد فقط تعیین کننده ی دامنه است. ولی در خصوص اطفال رأیی ملاحظه نشده و به نظر می رسد نظر قضات بر عدم اعمال تعدد باشد. رأی ذیل نیز نشان می دهد که تعدد بر شخص نوجوان اعمال شده است: «... با توجه به عین مکالمات و پیام های ارسالی از موبایل متهم به شاکی و اقرار صریح متهم در دادسرا و دادگاه و سایر قرائن و شواهد موجود و قرار جلب به دادرسی و کیفرخواست صادره از سوی مقامات محترم قضائی دادسرای عمومی و انقلاب ... ارتکاب بزه از سوی نامبرده محرز و مسلم تشخیص و با توجه به اینکه سن مرتکب در زمان وقوع جرم (۹۲/۸) ۱۷ سال بوده است فلذا دادگاه مستنداً به مواد ۶۰۸ و ۶۴۱ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ و مواد ۸۹ (بند ت و ث) از جهت مزاحمت تلفنی به ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال جزای نقدی و از جهت توهین به ۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال جزای نقدی در حق دولت محکوم می نماید که مجازات ها با هم اجرا می شود. رای صادره حضوری و ظرف مهلت بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظر در محاکم تجدیدنظر استان فارس می باشد.» لازم به ذکر است که این اجرای همزمان در رأی فوق مقرون به صواب نیست، چراکه قواعد تعدد مبنی بر انتخاب مجازات اشد است، یعنی وقتی یکی از مجازات های جرایم ارتكابی تعیین شد، آن گاه دادگاه باید نسبت به تعیین یکی بندهای مقرر برای نوجوان در ماده ۸۹ اقدام نماید و نه اینکه حکم به جمع مجازات ها و اجرای همزمان آنها صادر گردد.^۱

۱. در نظریه اداره حقوقی به شماره ی ۷/۱۴۰۱/۱۳۵۶ چنین آمده است «مقررات تعدد به شرح مقرر در ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی اصلاحی ۱۳۹۹ مطلق است و ناظر به مجازات های تعزیری است؛ لذا در خصوص کلیه مرتکبان جرایم تعزیری (به استثنای اطفال که قانوناً مجازات تعزیری در خصوص آنها تعیین نمی شود بلکه طبق ماده ۱۴۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ اقدامات تأمینی و تربیتی اعمال می شود) قابل اعمال است؛ بنابراین، فرض سؤال نیز مشمول مقررات تعدد جرم است و مجازات مرتکب چنانچه دو جرم ارتكابی وی مشابه (غیر مختلف) باشد بر اساس بند «الف» ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی اصلاحی ۱۳۹۹ و اگر جرایم ارتكابی وی مختلف باشد بر اساس بند «ب» این ماده تعیین می شود و ارتکاب یکی از این دو جرم قبل از رسیدن به سن ۱۸ سالگی تأثیری در اعمال مقررات تعدد ندارد و صرفاً مجازات (جرمی که قبل از رسیدن به سن ۱۸ سال مرتکب شده است) این جرم بر اساس بندهای «پ»، «ت» و «ث» ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و لحاظ مقررات تعدد تعیین می شود.»

د) تعدد نتیجه از سوی اطفال و نوجوانان و دادرسی شکلی ناظر به آن

در صورتی که سن فرد تا ۱۵ سال تمام شمسی نرسیده باشد و زیر آن باشد تحقیقات مقدماتی در دادگاه ویژه اطفال و نوجوانان رسیدگی می شود اما در صورتی که سن وی بیش از ۱۵ سال تمام قمری تا ۱۸ سال تمام شمسی باشد تحقیقات در دادسرای عمومی و انقلاب، شعبه ی ویژه جرائم اطفال و نوجوانان انجام می شود. اما در ماده ۲۸۵ دو ماده ی قانونی دیگر نیز بیان شده که تحقیقات آن مستقیماً در دادگاه کیفری دو می باشد. ماده ی ۳۰۶ ق.آ.د.ک در خصوص تحقیقات درباره جرائم منافی عفت می باشد که مستقیماً در دادگاه مطرح می گردد و ماده ی ۳۴۰ قانون مذکور در خصوص جرائم تعزیری درجه ی هفت و هشت می باشد که تحقیقات مقدماتی این جرائم نیز در دادگاه کیفری دو می باشد. اما در این خصوص مساله ای وجود دارد و آن اینست که در صورتی که طفلی مرتکب رفتاری گردد که باعث ایجاد نتایج متعددی شود که برخی در صلاحیت دادگاه کیفری دو (شعبه ویژه رسیدگی کننده به جرائم اطفال)، برخی در صلاحیت دادگاه کیفری یک و برخی در صلاحیت دادگاه انقلاب باشد در این مورد صلاحیت با کدام مرجع می باشد و کدام محکمه صالح به رسیدگی می باشد؟

در این مورد با توجه به مواد ۳۱۵ و ۳۱۴ ق.آ.د.ک ما با چند فرض رو به رو می شویم که در این خصوص ابتدا ماده ی ۳۱۵ بیان شده و سپس با توجه به تبصره ی ماده ی ۳۱۴ فروض را بیان می نماییم. در ماده ی ۳۱۵ ق.آ.د.ک آمده است: « جرائم مشمول صلاحیت دادگاه کیفری یک و همچنین انقلاب در مواردی که با تعدد قاضی رسیدگی می شود اگر توسط افراد بالغ زیر هجده سال تمام شمسی ارتکاب یابد در دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم نوجوانان رسیدگی و متهم از کلیه امتیازاتی که در دادگاه اطفال و نوجوانان اعمال می شود بهره مند می گردد...» و در خصوص ماده ی ۳۱۴ نیز در تبصره ی این ماده آمده بود که: «تبصره ۱- هرگاه شخصی متهم به ارتکاب جرائم متعددی باشد که رسیدگی به بعضی از آنها در صلاحیت دادگاه کیفری یک و رسیدگی به بعضی دیگر در

صلاحیت دادگاہ کیفری دو و یا اطفال و نوجوانان است، بہ تمام جرائم او در دادگاہ کیفری یک رسیدگی می شود.»

لذا با توجہ بہ این مواد فروض مختلف بررسی می شود. اما قبل از آن باید گفت کہ مادہ ۳۱۵ فقط ناظر بہ جائی است کہ دو شرط با ہم وجود داشته باشند، کہ یکی آن است کہ جرائم مشمول رسیدگی جرائمی باشند کہ طبق قانون باید در دادگاہ کیفری یک و انقلاب با تعدد قاضی رسیدگی شود و شرط دوم این است کہ باید توسط افراد بالغ زیر ۱۸ سال انجام شود تا مشمول این مادہ قرارگیرد. یعنی فرد باید بین ۱۵ سال تمام قمری تا ۱۸ سال تمام شمسی باشد. لذا با توجہ بہ این دو شرط فروض را بررسی خواهیم نمود.

۱- اولین فرض جائی است کہ نتایج رفتار انجام شدہ بہ صورتی است کہ ہم در صلاحیت دادگاہ انقلاب و ہم کیفری یک و ہم کیفری دو می باشد کہ جرائم کیفری یک و انقلاب باید با تعدد قاضی رسیدگی شود و همچنین فرد نیز بالغ و زیر ۱۸ سال تمام شمسی سن دارد. در این حالت با توجہ بہ تبصرہ ی مادہ ی ۳۱۴ کہ بیان نمودہ در صورتی کہ طفل و بالغ زیر ۱۸ سال تمام شمسی مرتکب جرائمی گردد کہ برخی در صلاحیت دادگاہ اطفال است و برخی در صلاحیت دادگاہ کیفری یک بہ تمامی جرائم وی در دادگاہ کیفری یک رسیدگی می شود و همچنین با توجہ بہ مادہ ی ۳۱۵ قانون فوق نیز بہ تمامی جرائم (نتایج) با وجود شرایط فوق نیز در دادگاہ کیفری یک رسیدگی می شود. لذا مشاہدہ می شود کہ در این حالت بہ تمامی جرائم اعم از انقلاب و کیفری یک و کیفری دو با وجود شرایط مذکور در دادگاہ کیفری یک، شعبہ ویژہ جرائم اطفال و نوجوانان رسیدگی می شود. لذا در صورتی کہ فرد بالغ زیر ۱۸ سال مرتکب رفتاری گردد کہ نتایج آن در صلاحیت دادگاہ اطفال و نوجوانان، کیفری یک و انقلاب باشد و شرایط مطرح شدہ را نیز داشته باشد در این صورت بہ تمامی جرائم وی در دادگاہ کیفری یک، شعبہ ویژہ اطفال و نوجوانان رسیدگی می شود. البتہ در اینجا باید گفت کہ کلیہ جرائم مطرح شدہ در دادگاہ کیفری یک با تعدد قضات برگزار می گردد و در دادگاہ انقلاب نیز در صورتی

که موضوع مورد رسیدگی دارای مجازات های مندرج در بند های (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده ۳۰۲ ق.آ.د.ک می باشد با تعدد قضات رسیدگی می شود.

۲- فرض دوم در جائی است که یکی از دو شرط لازم در ماده ۳۱۵ وجود نداشته باشد یا هیچ کدام از آنها وجود نداشته باشد یعنی موضوع و نتایج به گونه ای باشد که در صلاحیت دادگاه انقلاب بوده ولی با تعدد قضات نیست و یا اینکه فرد مرتکب دارای سن زیر ۱۵ سال تمام قمری باشد یا به عبارت دیگر طفل باشد. در این حالت در صورتی که فردی مرتکب رفتاری گردد که نتایج آن برخی در صلاحیت دادگاه انقلاب و برخی در صلاحیت دادگاه کیفری یک و برخی در صلاحیت دادگاه اطفال باشد با توجه به اینکه شرایط مذکور در ماده ی ۳۱۵ وجود ندارد لذا با توجه به اینکه طبق ماده ی ۳۰۴ به تمامی جرائم اطفال و افراد بالغ زیر ۱۸ سال در دادگاه اطفال رسیدگی می شود و همچنین با توجه به تبصره ی ماده ی ۳۱۴ به تمامی نتایج در دادگاه کیفری یک ، شعبه ویژه رسیدگی می شود.

۳- فرض سوم نیز در جائی است که طفل یا فرد بالغ زیر ۱۸ سال تمام شمسی مرتکب رفتاری گردد که نتایج آن برخی در صلاحیت دادگاه کیفری یک و برخی در صلاحیت دادگاه اطفال می باشد که در این صورت نیز با توجه به تبصره ی ماده ی ۳۱۴ ق.آ.د.ک نیز به کلیه جرائم وی در دادگاه کیفری یک رسیدگی می شود.

۴- فرض چهارم نیز در جائی است که طفل یا فرد بالغ زیر ۱۸ سال تمام شمسی مرتکب رفتاری گردد که نتایج آن برخی در صلاحیت دادگاه انقلاب که بدون تعدد قضات رسیدگی می شود و برخی نیز در صلاحیت دادگاه اطفال می باشد که در این صورت نیز با توجه به اینکه در ماده ی ۳۰۴ ق.آ.د.ک بیان شده است به کلیه جرائم اطفال و نوجوانان در دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی می شود لذا دادگاه اطفال صالح به رسیدگی می باشد.

۵- اما فرض پنجم در جائی است که طفل یا فرد بالغ کمتر از سن ۱۸ سال تمام

شمسی مرتکب رفتاری گردد که نتایج آن برخی در صلاحیت دادگاه انقلاب که با تعدد قضاات رسیدگی می شود و برخی نیز در صلاحیت دادگاه اطفال می باشد که در این صورت نیز با توجه به ماده ی ۳۱۵ ق.آ.د.ک در صورتی که فرد بالغ زیر ۱۸ سال تمام شمسی باشد در این صورت موضوع در دادگاه کیفری یک، شعبه ویژه رسیدگی می شود اما در صورتی که فرد طفلی باشد که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد در این صورت موضوع در دادگاه اطفال و نوجوانان (دادگاه کیفری دو شعبه ویژه جرائم اطفال) رسیدگی خواهد شد زیرا که یکی از شرایط ماده ی ۳۱۵ برای رسیدگی به موضوع در دادگاه کیفری یک یعنی اینکه فرد بالغ زیر ۱۸ سال تمام شمسی باشد وجود ندارد لذا با توجه به قاعده کلی ماده ی ۳۰۴ یعنی اینکه رسیدگی به تمامی جرائم اطفال در صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان می باشد لذا این موضوع نیز در صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان می باشد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

برآمد

از طرفی ممکن است این نظر تقویت گردد که در بحث نوجوانان می توان حکم به شمول هر دو حالت تعدد جرم داد. اما این تعدد مانع تخفیف و تعلیق و سایر نهادهای ارفاقی نمی شود. با این وجود شاید بتوان از طرفی دیگر با ممکن دانستن اعمال مقررات تعدد جرم نسبت به اطفال و نوجوانان قائل به تفکیک شد. با این توضیح که، مانند سیاست تکرار که در مورد اطفال ممنوع شده، به نظر می رسد که در تعدد بیش از سه جرم هم اطفال مستثنی هستند. دلیل هم شبیه بودن سیاست است: یعنی اشد تا حداکثر نصف اشد. اما در موارد سه جرم و کمتر، تعدد جرم در خصوص اطفال جاری باشد.

علاوه بر ملاحظات ماهوی ناظر به تعدد جرم در خصوص اطفال و نوجوانان، تعیین مرجع صالح به اعتبار تعدد اتهامات طفل یا نوجوان نیز بر پراکندگی تقنینی مقررات تعدد می افزاید. البته در تبصره ۱ ماده ۳۱۴ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ به منظور تلاش برای یکسان سازی مقررات ناظر به این موضوع، چنین آمده است که: «هرگاه شخصی متهم به ارتکاب جرائم متعددی باشد که رسیدگی به بعضی از آنها در صلاحیت دادگاه کیفری یک و رسیدگی به بعضی دیگر در صلاحیت دادگاه کیفری دو و یا اطفال و نوجوانان است، به تمام جرائم او در دادگاه کیفری یک رسیدگی می شود.» اهمیت این رویکرد در دادرسی کیفری می تواند تأثیر قابل توجهی بر نظام مندی رویکرد ناظر به تعدد جرم در خصوص اطفال و نوجوانان را موجب شود.

این بحث در صورت پذیرش تعدد مطرح می شود که دامنه آغاز تسری تعدد جرم چیست؟ بر حسب قانون سن ملاک همه سیاست های کیفری ناظر به این اشخاص است، اما ماده ۹۱ ق.م.ا به طور مشخصی در جرایم مستوجب حد و قصاص لزوم احراز رشد را پیش بینی نموده است. سن و رشد ملاک است. بویژه در حالتی که تعدد میان جرایم تعزیری و غیرتعزیری باشد و مرتکب بالغ زیر ۱۸ سال باشد.

منابع

- آزمایش، سیدعلی، اطفال بزهکار را چگونه باید درمان کرد، *نشریه حقوق مردم*، سال هفتم، شماره ۳۱، بهار ۱۳۵۲
- اکبری، عباسعلی، بررسی تطبیقی تشدید مجازات در قوانین مجازات اسلامی (تعزیرات) سال های ۱۳۶۲ و ۱۳۷۵، *پایان نامه کارشناسی ارشد، در رشته حقوق جزا و جرم شناسی*، دانشگاه تهران، ۱۳۹۴؛
- اعظمی، علی اصغر و مسعود حیدری و محمد جواد جعفری، بررسی تعدد نتیجه و مقایسه آن با تعدد جرم، *پژوهش حقوق کیفری*، سال هفتم، شماره ۲۵، زمستان، ۱۳۹۷؛
- الهام، غلامحسین و هادی کربلایی حاجی اوغلی، دادرسی کیفری در تعدد معنوی؛ قواعد، ابهامات، راه حل ها، *دوفصلنامه مطالعات حقوق کیفری و جرم شناسی*، دوره چهل و نهم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۸؛
- باقرپور آذریان، علی و دیگران، معیارهای مطلوب تعیین مجازات و جلوه هایی از آنها در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، *پژوهش های سیاسی و بین المللی*، شماره ۴۲، پاییز ۱۳۹۸،
- بسامی، مسعود؛ وروایی، اکبر، بررسی رفتار واحد دارای نتایج مجرمانه متعدّد در حقوق کیفری ایران، *پژوهشنامه حقوق کیفری*، دوره ۷، شماره اول (شماره پیاپی ۱۳)، ۱۳۹۵،
- جعفری، مجتبی، تعدد جرم و آثار آن در قانون جدید مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، *پژوهش حقوق کیفری*، سال دوم، شماره پنجم، زمستان، ۱۳۹۲؛
- حاجی ده آبادی، احمد؛ باقرزادگان، امیر؛ میرزایی، محمد، جایگاه تعدّد نتیجه در حقوق کیفری ایران، *پژوهشنامه حقوق کیفری*، دوره ۷، شماره اول، ۱۳۹۵؛
- حسینی، سیدرضا، بررسی تحولات قاعده تعدد جرم در قوانین کیفری ایران با

رویگرد به قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، *ماهنامه د/درسی*، سال هفدهم، شماره ۹۹،
۱۳۹۲؛

زراعت، عباس، تمایز حالت تعدد معنوی جرائم از عناوین مشابه، فصلنامه حقوق،
مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۳، شماره ۳، ۱۳۹۲؛

ساداتی، سید محمد رضا، *تعدد نتیجه در قانون مجازات اسلامی*، پایان نامه
کارشناسی ارشد در رشته حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه شیراز، ۱۳۹۵؛
ساداتی، سید مهدی، *تعدد جرم در حقوق ایران و آلمان، مطالعات حقوق
تطبیقی*، دوره هشتم، شماره اول، ۱۳۹۶؛

شیخ الاسلامی، عباس، *تعدد جرم نظریه ها و رویه ها*، انتشارات میزان، چاپ
اول، ۱۳۹۵؛

صبوری پور، مهدی و فاطمه علوی صدر، *سن مسئولیت کیفری کودکان و
نوجوانان در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲*، *پژوهشنامه حقوق کیفری*، سال ششم،
شماره اول، ۱۳۹۴

مهرا، نسرین، *از حق های کودکان تا حقوق کودکان، دیباچه در: آسیب
شناسی حقوق کودکان در ایران*، نوشته سعید مدنی قهفرخی و امیرحمزه زینالی،
تهران: نشر میزان. *پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*

نیازپور، امیرحسین، *حقوق کیفری اطفال و نوجوانان*، نشر میزان، چاپ
اول، ۱۳۹۲

اردبیلی، محمد علی (۱۳۹۲)، *حقوق جزای عمومی*، جلد اول و دوم، چاپ
بیست و نهم،

الهام، غلامحسین و محسن برهانی (۱۳۹۲)، *درآمدی بر حقوق جزای عمومی
واکنش در برابر جرم*، انتشارات میزان، چاپ اول.

- سواد کوهی فر، سام و سید علی کاظمی (۱۳۸۸)، مسئولیت کیفری تدریجی دختران، *مجله مطالعات راهبردی زنان*، سال یازدهم، شماره ۴۵، پاییز.
- صبوری پور، مهدی و فاطمه علوی صدر (۱۳۹۴)، سن مسئولیت کیفری کودکان و نوجوانان در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، *پژوهشنامه حقوق کیفری*، سال ششم، شماره اول.
- کم، بهروز (۱۳۹۷)، الگوهای حاکم بر دادرسی اطفال و نوجوانان در حقوق کیفری، *رساله دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی*، دانشگاه مازندران.
- فتحی، حجت الله (۱۳۸۸)، مسئولیت کیفری اطفال با رویکردی به لایحه قانون مجازات اسلامی، *حقوق اسلامی*، شماره ۲۱.
- مصفا، نسرین و دیگران (۱۳۸۳)، *کنوانسیون حقوق کودک و بهره وری از آن در حقوق داخلی ایران*، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، چاپ اول.
- معظمی، شهلا (۱۳۹۴)، *دادرسی ویژه کودکان و نوجوانان*، انتشارات دادگستر، چاپ اول.
- موسوی بجنوری، سید محمد؛ و جعفری دولابی، منا (۱۳۸۹)، مقایسه حقوق کیفری اطفال ایران و فرانسه با کنوانسیون حقوق کودک، *نامه الهیات*، شماره ۹.
- نقیبی، سید ابوالقاسم (۱۳۸۸)، تأدیبات قضایی اطفال و نوجوانان در صورت تکرار جرم، *دوفصلنامه فقه و حقوق خانواده*، دوره چهاردهم، شماره ۵۱، پاییز و زمستان.
- نوبهار، رحیم (۱۳۹۱)، سن و مسئولیت کیفری: بازخوانی نظریه مشهور فقهای امامیه، *پژوهشنامه حقوق کیفری*، شماره ۶.
- نیاز پور، امیر حسن (۱۳۹۲)، *حقوق کیفری اطفال و نوجوانان*، نشر میزان، چاپ اول.